

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۶، ویژه علوم سیاسی

فرصت‌ها و چالش‌های جنبش اسلامی پاکستان در عصر بیداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۲

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۱/۲۵

محمد خسروی لرگانی*

چکیده

جنبش اسلامی پاکستان به علت نقاط ضعف و تهدیدهای پیش رو در رسیدن به هدف خود ناکام بوده است از آنجا که در عصر بیداری اسلامی فرصت‌های جدید پیش روی این جنبش قرار گرفته است، این تحقیق به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های جنبش اسلامی پاکستان در عصر بیداری اسلامی می‌پردازد. نقاط قوت جنبش اسلامی پاکستان عبارت است از هویت اسلامی مردم پاکستان، قوی بودن ایدئولوژی اسلام‌گرایی، و فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا. نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان عبارت است از تفرقه، رهبری واحد و انتخاب راهبردهای ناکارآمد. مهمترین فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی پاکستان، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خیزش‌های مردمی در برخی کشورهای عربی در اثر وقوع موج جدید بیداری اسلامی، ظهور و تشکیل شبکه‌های اجتماعی مجازی باشد؛ همچنین مهم‌ترین تهدیدات پیش روی این جنبش عبارتند از: فشارهای آمریکا به دولت پاکستان برای محدود کردن فعالیت گروه‌های اسلامی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، حمایت عربستان سعودی از جریان‌های تکفیری و فعالیت طالبان در نزدیکی مرزهای پاکستان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: پاکستان، جنبش اسلامی، فرصت‌ها، چالش‌های، بیداری اسلامی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

پاکستان در دوران معاصر یکی از کانون‌های مهم اسلام‌گرایی بوده است و متفکرانی مانند علامه اقبال لاهوری از این کشور تاثیر بسزایی در کل جریان اسلام‌گرایی داشته‌اند، بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت جنبش اسلامی در پاکستان تشدید گشته و این جنبش تلاش مضاعفی برای حضور فعال در عرصه سیاسی داشته است؛ اما علی‌رغم این فعالیت‌ها و گرایش مردم پاکستان به اسلام‌گرایی هیچ‌گاه این جنبش در عرصه سیاسی توفیق چندانی نداشته است.

بنابراین موضوع این تحقیق بررسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جنبش اسلامی پاکستان در عصر بیداری اسلامی می‌باشد؛ و از آنجا که یکی از روش‌های مناسب برای بررسی فرصت‌ها و چالش‌ها سوات است، در این رساله برای بررسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جنبش اسلامی پاکستان از روش سوات استفاده شده است.

چارچوب نظری

این چارچوب نظری اولین بار از سوی برخی محققین همچون دیویدهانگر و توماس ال ویلن، برای مدیریت سازمان‌ها ارائه گردیده است. ماتریس سوات (SWOT) ابزاری است که از طریق شناسایی نقاط ضعف و قوت در محیط داخلی سازمان و همچنین شناخت فرصت‌ها و تهدیداتی که در محیط بیرونی پیش روی یک سازمان قرار دارد راهبردها و راهکارهای مناسب جهت دست‌یابی سازمان به اهدافش را ارائه می‌دهد. بنابراین در این چارچوب نظری ۴ مفهوم زیر بسیار پررنگ و تاثیر گذار است.

۱- نقاط قوت (Strengthen) عبارت است از شایستگی ممتازی در داخل گروه یا سازمان که باعث می‌شود عملکرد گروه بطور محسوس پیشرفت کند؛ مانند وجود رهبری آگاه یا اتحاد بین اعضای سازمان.

۲- نقاط ضعف (Weakness) یعنی نوعی محدودیت و کمبود که بطور محسوس مانع عملکرد اثر بخش گروه یا سازمان می‌شود؛ مانند کمبود منابع انسانی، وجود اختلاف بین اعضای سازمان یا ضعف تشکیلاتی و رهبری.

۳- فرصت‌ها (Opportunity) عبارت است از موفقیت عمده در محیط خارجی سازمان که باعث ایجاد شرایطی مناسب برای فعالیت سازمان می‌شود مانند عدم اقبال مردم به گروه‌های رقیب سازمان، تفرقه بین نیروهای رقیب یا وقوع یک اتفاق در محیط بیرون سازمان که باعث افزایش موفقیت سازمان می‌شود.

۴- تهدیدات (Threat) عبارت است از مانعی در خارج از محیط سازمان که باعث اختلال در وضعیت سازمان یا جلوگیری از موفقیت آن می‌شود مانند فعالیت قوی گروه‌های قدرتمند بیرونی جهت جلوگیری از موفقیت سازمان یا عدم اقبال مردم به سازمان.

یعنی از طریق شناخت نقاط ضعف و قوت در محیط داخلی و شناخت فرصت‌های و چالش‌هایی که از محیط بیرونی ایجاد میشوند می‌توان به بهترین راهکارها دست یافت. در تحقیقاتی که با استفاده از این چارچوب ارائه می‌شود ابتدا باید عوامل داخلی و خارجی یعنی تمام نقاط ضعف و قوت داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات بیرونی شناسایی شوند، سپس میزان اهمیت هر یک از این عوامل مشخص گردد.

نقاط قوت

۱- پررنگ بودن هویت اسلامی در جامعه پاکستان

یکی از نقاط قوت جنبش اسلامی پاکستان پررنگ بودن هویت اسلامی در جامعه پاکستان است. همانطور که در بخش قبل اشاره شد مهمترین عامل استقلال پاکستان دفاع از هویت مسلمانان در برابر اکثریت هندو شبه قاره بود؛ در واقع پاکستان تنها کشور اسلامی بود که بخاطر اسلام و ایدئولوژی اسلامی بوجود آمد و این موضوع برای جهان پس از جنگ جهانی دوم تازگی داشت. (هادی نجف آبادی، ۱۳۶۳، ص ۲۹) و برخلاف اکثر کشورهای تاسیس شده در قرن بیستم که بر اثر غلبه فرهنگ وستفالی تعلق به عناصر ملی مانند: نژاد، زبان، و یا خاک مشترک، معیار همبستگی میان آنها و تمایز از دیگر کشورها بوده است، در پاکستان اسلام عامل شکل گیری هویت مستقل و تمایز مردم این کشور می باشد.

محوریت اسلام در شکل گیری کشور پاکستان باعث ایجاد تعارض بین هویت اسلامی و ملی نشد و به همین دلیل شکاف بین هویت های متضاد ملی و مذهبی که یکی از مهمترین شکاف های اجتماعی محسوب می شود و در هر جامعه فعالیت جنبش های اجتماعی را با مشکل مواجه می کند، در پاکستان بدلیل آنکه هویت اسلامی عامل شکل گیری این کشور می باشد وجود ندارد، که این مساله یکی از نقاط قوت جنبش اسلامی پاکستان است.

۲- قوی بودن ایدئولوژی اسلام گرایی در پاکستان

یکی از نقاط قوت جنبش اسلامی پاکستان قوی بودن ایدئولوژی اسلام گرایی در پاکستان می باشد، که این مساله در هر کشور می تواند باعث رشد و موفقیت جنبش اسلامی در آن باشد، برای قوی بودن تفکر اسلام گرایی در هر سرزمین باید دو عامل

وجود داشته باشد، اول وجود متفکران و شخصیت‌های برجسته اسلام گرا، که باعث انسجام و بومی شدن ایدئولوژی اسلام گرایی می‌گردد. و دوم مذهبی بودن جامعه، که باعث گرایش مردم و نخبگان به ایدئولوژی اسلام گرایی و الگو قرار گرفتن متفکران اسلام گرا می‌شود.

در پاکستان هر دو عامل مذکور وجود دارد. این کشور هم زادگاه و محل رشد متفکران و شخصیت‌های برجسته اسلام گرا همچون علامه اقبال، علامه مودودی و شهید عارف حسینی می‌باشد، که برخی از آنان جزء برجسته ترین متفکرین اسلام گرا در سطح جهان اسلام محسوب می‌شوند، و هم جامعه پاکستان یک جامعه مذهبی و مقید به باورهای دینی محسوب می‌شود. (نظیف کار، ۱۳۸۲، ص ۶۸)

وجود این دو عامل باعث قوی بودن ایدئولوژی اسلام گرایی در پاکستان شده است که یکی دیگر از نقاط قوت این جنبش محسوب می‌گردد.

۳- فعالیت گسترده گروه‌های اسلام گرا در پاکستان

یکی دیگر از نقاط قوت جنبش اسلامی پاکستان فعالیت گسترده این جنبش در سطح پاکستان است. در برخی از کشورهای اسلامی به علت نبود این فعالیت گسترده، جریانات اسلام گرا به کلی منزوی شده و گروه‌های سکولار بطور کامل بر آن کشورها مسلط شده اند. اما در پاکستان جنبش اسلامی بسبب زمینه مساعد در اثر پیشینه طولانی، وجود متفکران برجسته اسلام گرا و گرایشات مذهبی مردم پاکستان دارای فعالیت گسترده‌ای می‌باشد؛ و همین فعالیت گسترده در سطح پاکستان یکی از دلایل جذب اقشار مختلف مردم و بقای جنبش اسلامی در عرصه سیاسی پاکستان بوده است. در حال حاضر چندین گروه اسلام گرا بطور عمومی در سراسر پاکستان فعالیت دارند که هر کدام از این گروه‌ها نماینده و مروج یکی از فرق مذهبی پاکستان را بر عهده دارند و مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱- جماعت اسلامی پاکستان نماینده طیف معتدل اهل سنت.

۲- جماعت علمای پاکستان نماینده مکتب دیوبندی و افکار شاه ولی الله دهلوی.

۳- جمعیت اهل حدیث پیرو افکار شاه ولی الله و نزدیک به گرایش سلفی.

۴- نهضت تحریک جعفریه نماینده و حامی حقوق شیعیان. (هادی نجف آبادی،

۱۳۶۳، ص ۱۴۷)

فعالیت گسترده احزاب اسلام گرا در پاکستان بویژه در امور سیاسی، باعث ایجاد ارتباط تشکیلاتی و سازمان دهی بین رهبران اسلام گرای پاکستان و پایگاه اجتماعی جریان اسلام گرایی شده است. بطور مثال تاسیس حرکت نهضت جعفری باعث تسهیل ارتباط بین شیعیان پاکستان و رهبران شیعه این کشور، سازمان دهی و انسجام مناسب شیعیان و دفاع از حقوق شیعیان شد. بطور کلی هر جریان سیاسی برای سازمان دهی به پایگاه اجتماعی خود، ایجاد ارتباط بین بدنه اجتماعی و رهبران، ایجاد انسجام در تصمیم گیری، تعیین خط مشی سیاسی و تقسیم وظایف و مسئولیت ها بین سران، نیاز به داشتن تشکیلات سیاسی مناسب دارد.

نقاط ضعف

بدون شک جنبش اسلامی پاکستان در کنار این نقاط قوت دارای نقاط ضعفی نیز می باشد که آسیب پذیری جنبش را بالا برده و باعث شده است که جنبش اسلامی نتواند از ظرفیت های موجود به خوبی استفاده کند مهمترین این نقاط ضعف عبارتند از:

۱- وجود تفرقه در جنبش اسلامی پاکستان

یکی از نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان وجود تفرقه بین گروه های مختلف جنبش می باشد، متأسفانه اختلاف نظر بین برخی جریانات اسلام گرا در پاکستان تا حد خصومت و اقدامات تروریستی نیز پیش رفته است و همین اختلافات شدید باعث شده جنبش اسلامی پاکستان نتواند با استراتژی منسجم در عرصه های اجتماعی این کشور

حضور یابد. مهمترین علت تفرقه در جنبش اسلامی پاکستان وجود اختلافات مذهبی بین فرق و مذاهب مختلف در پاکستان می‌باشد، (عارفی، ۱۳۸۲، ص ۱۳) و از آنجا که بسیاری از گروه‌های داخل جنبش نماینده یکی از مذاهب پاکستان هستند، تفرقه بین مذاهب مختلف باعث تفرقه بین گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان شده است. وجود تفرقه بین گروه‌های مختلف حاضر در جنبش اسلامی پاکستان سبب پخش شدن پایگاه اجتماعی جنبش بین گروه‌های مختلف، و از بین رفتن امکان استفاده مناسب از آن، همچنین مشغول شدن گروه‌های اسلام‌گرا به رقابت با یکدیگر شده است و تضعیف جریان اسلام‌گرایی باعث تسهیل تسلط احزاب سکولار بر پاکستان و به حاشیه رفتن جنبش اسلامی در این کشور شده است.

۲- نبود رهبری واحد و قدرتمند در جنبش اسلامی پاکستان

یکی از مهمترین نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان وجود خلاء رهبری واحد و قدرتمند می‌باشد از آنجا که یکی از مهمترین شرایط موفقیت هر حزب سازمان و جنبشی داشتن رهبری قوی می‌باشد این خلاء یکی از مهمترین عواملی است که باعث شده جنبش اسلامی پاکستان نتواند به نتیجه مطلوب برسد. چرا که رهبران سیاسی در صورت واجد بودن توانایی‌های لازم می‌توانند در مسیر فکری و جهت‌گیری سیاسی جامعه تغییرات اساسی ایجاد کنند؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد کنش مردم و هر گروهی که تحت رهبری یک رهبر سیاسی قدرتمند قرار دارد بازتابی از کنش و رفتار رهبری آنها است. به ویژه در جوامع سنتی و جهان سوم که سازمان‌ها و تشکیلات نفوذ افراد قدرتمند را تحت شعاع قرار نداده‌اند نقش رهبری قدرتمند سیاسی در پیشبرد اهداف کلان ملموس تر، و وجود آن برای بقا و پیشرفت یک جریان سیاسی ضروری تر است. بنابراین یکی از مهمترین نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان نداشتن رهبری قدرتمند سیاسی و دینی می‌باشد که خود عامل تاثیر گذار در برخی دیگر از نقاط ضعف جنبش همچون انفعال در

برابر احزاب سکولار است. نداشتن رهبری قوی یکی از مهمترین علل ناکامی جنبش اسلامی پاکستان است که باید در بخش ارائه راهکار مورد توجه قرار گیرد.

۳- انتخاب راهبرد ناکارآمد

یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان که مانع رسیدن این جنبش به اهداف خود شده است، فقدان استراتژی کارآمد و متناسب با اهداف جنبش اسلامی می‌باشد. مهم‌ترین هدف تمامی گروه‌های داخل جنبش اسلامی پاکستان ایجاد انقلاب سیاسی جهت تشکیل حکومت اسلامی می‌باشد، اما هیچ یک از گروه‌های اسلام‌گرا برای رسیدن به این هدف استراتژی کارآمد و جامعی ندارند، بطور مثال جماعت اسلامی پاکستان که بزرگ‌ترین گروه اسلام‌گرای این کشور می‌باشد و توسط «ابولاعلی مودودی» بنیان گذاری شده است. استراتژی انقلاب فکری راه، راه تشکیل حکومت اسلامی می‌داند و تشکیل حکومت اسلامی را مشروط به ایجاد تحول فکری و فرهنگی در اکثریت جامعه می‌داند، نظر او حتی پس از ورود به رقابت‌های انتخاباتی نیز تغییر نکرد، چنانچه «ابولاعلی مودودی» راجع به این مساله می‌گوید:

بنابراین شما باید معیارهای اخلاقی رای دهندگان را تغییر دهید. آنان را با نظام اسلامی آشنا سازید. در درون آنها تمایل به نظام اسلامی را بوجود آورید. آنان را با نیک و بد آشنا سازید... و آیا، هیچ دانشمندی می‌تواند بر این تصور باشد که بدون پرورش و آماده سازی رای دهندگان این کشور، انقلاب در سطح رهبری امکان پذیر گردد. (عارفی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰)

اما به کار بردن استراتژی انقلاب فکری و مقدم دانستن آن بر تحول سیاسی دارای اشکال می‌باشد، مهمترین آن، اینکه تحول فکری و فرهنگی در زمره مسائل بلند مدت محسوب می‌شود که به نتیجه رسیدن آن ممکن است حتی تا چند نسل زمان ببرد و تمرکز روی این راهکار و مشروط کردن تحقق اهداف جنبش اسلامی به آن سبب می‌شود

امید به موفقیت این جنبش در کوتاه مدت و میان مدت از بین برود و این مساله ممکن است با ایجاد ناامیدی در رهبران و روی گردانی هواداران جنبش اسلامی، در فعالیت و انگیزه جنبش برای تحقق انقلاب فکری خلل ایجاد کرده و تحقق این هدف را نیز با مشکل جدی روبرو کند.

فرصت‌ها

۱- پیروزی انقلاب اسلامی ایران

جنبش اسلامی پاکستان با توجه به تجربه موفق انقلاب اسلامی ایران (فراتی، ۱۳۸۱، ص ۵۴) در توجه همزمان به اصلاح فرهنگی و ایجاد تغییر در نظام سیاسی می‌تواند در تحقق راهبرد اصلاح فکری و انقلاب فرهنگی، در اصلاح راهبرد نا کار آمد خود در مقدم دانستن تحقق راهبرد انقلاب فرهنگی و ایجاد تغییرات سیاسی از انقلاب اسلامی ایران الهام بگیرد، و راهبرد تحول سیاسی جامعه را همزمان با استراتژی انقلاب فرهنگی دنبال کند. یکی دیگر از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران که می‌تواند الگوی مناسبی برای رفع نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان باشد، تطبیق اهداف اسلامی با شرایط اجتماعی و ایجاد تنوع در راهبردها و شعارها می‌باشد، این ویژگی باعث می‌شود گروه‌های انقلابی با در نظر گرفتن شرایط جامعه ایران فعالیت سیاسی را در اولویت خود قرار دارد و از تمرکز به فعالیت‌های مذهبی خودداری کنند، و با تطبیق اهداف اسلامی و نیازهای جامعه و خواسته‌های عمومی، راهبردهای حمایت از مستضعفان، تلاش برای استقلال کشور، تشکیل حکومت اسلامی با رویکرد مردم سالارانه را در راس برنامه‌های خود قرار دهند.

۲- خیزش‌های مردمی در برخی کشورهای منطقه در پی وقوع موج اخیر بیداری اسلامی

یکی از فرصت‌های مناسب پیش روی جنبش اسلامی پاکستان در عصر حاضر وقوع امواج جدید بیداری اسلامی است؛ که باعث تقویت گرایش به اسلام‌گرایی در سطح جهان اسلام شده است. همانطور که از قبل اشاره شد انفعال گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان در برابر احزاب سکولار یکی از مسائلی است که سبب ایجاد نقاط ضعف متعدد برای جنبش اسلامی پاکستان شده است. عدم موفقیت گروه‌های اسلامی در کسب قدرت و پیروزی همیشگی احزاب سکولار در انتخابات‌های پاکستان باعث شده است تا برخی از تحلیل‌گران به این نتیجه برسند که اساساً گروه‌های اسلام‌گرا در جریان رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی هیچ شانس برای غلبه بر جریانات سکولار ندارند اما نقش محوری گروه‌های اسلام‌گرای النهضه و اخوان المسلمین در سرنگونی حکومت‌های غرب‌گرای تونس و مصر و پیروزی این گروه‌ها در اولین انتخابات‌های پس از آن نشان داد جریانات اسلام‌گرا می‌تواند در فرآیندهای سیاسی نقش محوری ایفا کند و در رقابت‌های انتخاباتی احزاب سکولار را شکست دهد.

بنابراین عدم موفقیت جنبش اسلامی پاکستان در کسب قدرت بویژه شکست‌های انتخاباتی جریانات اسلام‌گرا بیش از آنکه ناشی از ماهیت رقابت‌های انتخاباتی باشد در اثر ضعف برنامه‌ریزی، اختلافات درونی و نبود رهبری قوی می‌باشد که موفقیت گروه‌های اسلام‌گرای در سال‌های اخیر می‌تواند فرصت مناسبی پیش روی گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان قرار دهد، تا با الگو برداری از جریانات اسلام‌گرای مصر و تونس جهت ایجاد وحدت بین گروه‌های داخل جنبش اسلامی پاکستان تلاش کرده و با استفاده از ابزارهای جدید بویژه شبکه‌های اجتماعی و تطبیق شعارها و برنامه‌های جنبش با نیازها و شرایط جامعه پاکستان بتواند مانند احزاب اسلام‌گرای تونس و مصر در عرصه رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی به موفقیت برسد.

۳. تشکیل شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی مجازی با توجه به ویژگی‌هایی که دارند در تحولات منطقه بویژه بیداری اسلامی نقش قابل توجهی داشته‌اند. شبکه‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از افراد که به صورت گروهی با یکدیگر ارتباط داشته و مواردی مانند اطلاعات، نیازمندی‌ها، فعالیت‌ها و افکار خود را به اشتراک می‌گذارند اطلاق می‌شود. (جعفر پور، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲)

شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به دو دسته شبکه‌های اجتماعی مجازی و غیر مجازی تقسیم کرد شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی شبکه‌هایی هستند که توسط مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های به هم پیوسته در محیط اجتماعی عمل می‌کنند. اما شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول وب دو هستند وب دو به آن دسته از فناوری‌ها اطلاق می‌شود که امکان مشارکت کاربرد در تولید محتوای اشتراک گذاری اطلاعات شامل: متن، عکس، فیلم، پیوند، فایل و هرگونه داده را فراهم می‌آورند. (همان، ص ۱۱۲)

یکی از ویژگی‌هایی شبکه‌های اجتماعی مجازی عدم کنترل کامل نهادهای قدرت در این شبکه‌ها می‌باشد، همانطور که گفته شد بسیاری از گروه‌های حاضر در جمهوری جنبش اسلامی پاکستان به وسیله دولت این کشور سرکوب و تعطیل شدند و جلوی فعالیت آنها گرفته شده است علاوه بر این پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و مقابله آمریکا با گروه‌های اسلام‌گرا و تحت فشار دادن دولت پاکستان برای همکاری در این راستا گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان برای فعالیت‌های اجتماعی خود با موانع بسیاری روبرو شدند اما شبکه‌های اجتماعی از آنجا که تا حدود زیادی از کنترل نهادهای قدرت خارج هستند می‌توانند محیط مناسبی برای فعالیت جنبش اسلامی پاکستان باشد.

تهدیدات

۱- تحت فشار قرار گرفتن دولت پاکستان برای مقابله با جریان‌های اسلام‌گرا در پی حوادث ۱۱ سپتامبر

در پی وقوع حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر و تشدید موج اسلام‌هراسی در غرب از آنجا که کشور پاکستان به عنوان خاستگاه طالبان و دولت این کشور بزرگترین حامی این گروه محسوب می‌شود پاکستان برای مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری به شدت تحت فشار قرار گرفت. و دولت پاکستان برای رها شدن از این فشارها اقدام به تعطیلی و ایجاد محدودیت برای گروه‌های اسلام‌گرا کرد اما این اقدام محدود به گروه‌های تکفیری تندرو محدود نشد و سایر گروه‌های اسلام‌گرا که با جریان‌های تکفیری دارای مرزبندی و بعداً تضاد بودند با محدودیت‌های شدید مواجه شدند به طور مثال جریان تحریک جعفری که با گروه‌های تندرو مانند طالبان به شدت مخالف بود نیز به اتهام حمایت از تروریسم تعطیل شد. تقابل آمریکا و گروه‌های اسلام‌گرا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و تحت فشار قرار دادن دولت پاکستان جهت ایجاد محدودیت برای این گروه‌ها یکی از تهدیدات و موانع پیش روی جنبش اسلامی پاکستان محسوب می‌شود چرا که در پی این فشارهای آمریکا بسیاری از گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان با مشکل ایجاد محدودیت و تعطیلی مواجه شده‌اند، همچنین اتهام حمایت از تروریسم دستاویز احزاب سکولار برای جلوگیری از گرایش مردم به جریان اسلام‌گرا شده است.

۲- حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تکفیری در پاکستان

یکی از تهدیدات پیش روی جنبش اسلامی پاکستان، حمایت عربستان سعودی از گروه‌های سلفی و کمک این کشور به ترویج اندیشه تکفیری در پاکستان بوده است که باعث شدیدتر شدن تفرقه مذهبی در این کشور و ایجاد مانع در راه رسیدن به اهداف جنبش اسلامی پاکستان می‌باشد. عربستان سعودی همواره به اشکال مختلف در پی

ترویج تفکرات سلفی در پاکستان بوده است یکی از راه‌های عربستان برای این کار تاسیس مدارس و مساجد مذهبی مبلغ وهابیت در پاکستان بوده است، در همین راستا محافل مذهبی عربستان نیز سرمایه گذاری اصلی خود را در زمینه تاسیس مدارس و مساجد متمرکز نمودند. این مدارس به آموزش افکار اسلام سنتی ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب و شاه ولی الله سرگرم شدند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۶۶، ص ۹۰)

عربستان سعودی چه از طریق کمک‌های مالی و چه از طریق پشتیبانی علمای وهابی از گروه‌های تکفیری همچون سپاه صحابه حمایت کرده است، و این حمایت‌ها تهدیدی جدی برای جنبش اسلامی پاکستان محسوب می‌شود چرا که با قدرت گرفتن جریان‌ات تکفیری هم تفرقه بین گروه‌های داخل جنبش اسلامی پاکستان شدیدتر می‌شود و هم اعمال تند و تروریستی این گروه‌ها باعث بدبینی مردم به جریان اسلام گرا و گرایش آنان به احزاب سکولار می‌گردد. (هرسیج، ۱۳۹۲، ص ۱۸۶)

۳- تهدید فعالیت طالبان در نزدیکی مرزهای پاکستان

یکی از تهدیدهای پیش روی جنبش اسلامی در پاکستان خطر فعالیت گروه طالبان در افغانستان و امتداد این فعالیت در برخی نقاط پاکستان می‌باشد. نفوذ گروه طالبان در پاکستان با توجه گرایش‌های تند فرقه‌ای و تعصبات قومی این گروه عامل مهمی در ایجاد تضاد و بروز درگیری‌های داخلی در جنبش اسلامی پاکستان باشد. با توجه به ریشه فکری گروه طالبان که به برخی از مدارس علمیه پاکستان برمی‌گردد و قومیت‌گرایی گروه طالبان و جمعیت قابل توجه پشتون پاکستانی در مرز با افغانستان (که باعث فعالیت قوی طالبان در این مناطق شده است) وجود گروه طالبان باعث ایجاد تهدید برای جنبش اسلامی پاکستان شده است. خاستگاه فکری طالبان به مدارس علمیه وابسته به مکتب دیوبندی بر می‌گردد (عصمت الهی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷) و با توجه به روابط طالبان با برخی گروه‌های اسلام گرای پاکستانی از جمله جمعیت العلماء اسلام پاکستان، طالبان می‌تواند

گرایش‌های فرقه‌گرایانه خود را به این گروه‌ها منتقل کند. در این صورت تفرقه موجود بین گروه‌های مختلف جنبش اسلامی پاکستان تشدید می‌شود، به ویژه آنکه ایالت‌های پشتون نشین پاکستان در مرز با افغانستان و نقاط پشتون نشین آن کشور مهمترین پایگاه طالبان محسوب می‌شود؛ در طول سال‌های اخیر فعالیت طالبان در ایالت‌های پشتون نشین پاکستان (با تکیه بر قومیت‌گرایی) منجر به تشکیل گروه طالبان پاکستان شده است. و کاملاً واضح است تشکیل گروهی همسو با طالبان در خاک پاکستان موجب تقویت اندیشه‌های تکفیری، افزایش برخوردهای خشونت‌آمیز گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان می‌شود، چرا که ممکن است سایر جریان‌های اسلام‌گرای پاکستان در واکنش به رفتار خشونت‌آمیز طالبان و گروه‌های همسو با آن اقدام به واکنش متقابل کنند که در این صورت جریان اسلام‌گرای پاکستان به عنوان جنبشی خشونت‌طلب شناخته می‌شود این مسئله می‌تواند باعث روی گردانی مردم از جنبش اسلامی گشته و بهانه لازم برای محدودیت و تعطیلی این گروه‌ها توسط دولت را فراهم کند.

راهبردها

در این بخش به ارائه راهبردهای مناسب برای جنبش اسلامی پاکستان با قرار دادن نقاط ضعف و قوت داخلی در برابر فرصت و چالش‌هاست پیش روی این جنبش در محیط پیرامون (براساس الگوی سوات) پرداخته می‌شود، که شامل ۴ دسته از راهبردها می‌گردد.

۱- ارائه راهبردهای قوت-فرصت (S-O) یا راهبردهای توسعه

در این بخش با توجه به وجود نقاط قوت داخلی و فرصت‌های مناسب در محیط پیرامون سعی می‌شود با استفاده از ماتریس سوات (SWOT) راهبردهایی ارائه گردد که شیوه مناسب استفاده از فرصت‌های پیرامون با کمک نقاط قوت داخلی را نشان دهد.

فرصت‌ها	نقاط قوت
۱- پیروزی انقلاب اسلامی ایران.	۱- پررنگ بودن هویت اسلامی مردم پاکستان
۲- خیزش‌های مردمی در برخی کشورهای عربی در پی وقوع موج جدید بیداری اسلامی.	۲- قوی بودن ایدئولوژی اسلام‌گرایی در پاکستان
۳- تشکیل شبکه‌های اجتماعی.	۳- فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا در پاکستان
(S-0)	راهبردهای فرصت-قوت
S1-s2-s3-o1-o2-o3	۱- ارتقای هویت اسلامی مردم پاکستان.
-S1-s2-s3-o1-o2-o3	۲- توسعه ایدئولوژی اسلام‌گرایی.

۱- ارتقای هویت اسلامی مردم پاکستان

یکی از راهکارهای مبتنی بر فرصت و قوت ارتقای هویت اسلامی مردم پاکستان می‌باشد همانطور که گفته شد یکی از نقاط قوت جنبش اسلامی پاکستان پررنگ بودن هویت اسلامی در این کشور و تشکیل کشور پاکستان بر اساس هویت اسلامی می‌باشد همچنین یکی دیگر از نقاط قوت این جمله فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا در سطوح ملی و محلی در پاکستان می‌باشد این دو نقطه قوت می‌توانند کمک کنند تا جنبش اسلامی پاکستان از برخی فرصت‌های پیش رو به خوبی استفاده کند.

یکی از فرصت‌های پیش روی جنبش اسلامی پاکستان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌باشد و همانطور که اشاره شد باعث احیای تشیع و همچنین احیای هویت اسلامی مردم پاکستان گردید، همچنین وقوع موج تازه بیداری اسلامی و توفیق گروه‌های اسلام‌گرا فرصت مهمی پیش روی جنبش اسلامی پاکستان قرار داد و اثبات کرد که گروه‌های اسلام‌گرا توان ایفای نقش محوری در فرآیند سیاسی کشورهای اسلامی را دارا می‌باشند؛ و یکی دیگر از فرصت‌های پیش روی جنبش اسلامی پاکستان ظهور شبکه‌های اجتماعی می‌باشد که در برقراری ارتباط بین گروه‌های اسلام‌گرا در پاکستان و همچنین ارتباط با

سایر گروه‌های اسلام‌گرای کشورهای اسلامی نقش مهمی را ایفا کرده است و علاوه بر آن این شبکه‌ها فرصت بسیج نیروها را پیش روی جنبش اسلامی پاکستان قرار داده است.

جنبش اسلامی پاکستان می‌تواند با استفاده از این فرصت‌ها و بهره‌گیری از فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا (که از نقاط قوت جنبش محسوب می‌شود) هویت اسلامی مردم پاکستان (اولین نقطه قوت جنبش اسلامی پاکستان) را ارتقا دهد، بر اساس این راهکار، گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان که فعالیت گسترده در سطح این کشور دارند از نیروهای خود می‌خواهند با حضور پررنگ در شبکه‌های اجتماعی و هویت اسلامی مردم این کشور را ارتقاء دهند و این نکته را یادآور شوند تشکیل کشور پاکستان برای دفاع از هویت اسلامی مردم شبه قاره هند در برابر هندوها بوده است و پاکستان بر خلاف بقیه کشورها بر اساس قومیت و یا نژاد تشکیل نشده است. و همانطور که از تشکیل کشور پاکستان بر اساس دفاع از هویت اسلامی بوده و قومیت‌گرایی بقا و پیشرفت این کشور نیز منوط به ارتقای هویت اسلامی مردم پاکستان می‌باشد، زیرا وجه مشترک مردم پاکستان که از قومیت و نژادهای مختلف و هستند دین اسلام و هویت اسلامی این مردم می‌باشد، و هرگونه تضعیف هویت اسلامی موجب کم‌رنگ شدن نقطه اشتراک مردم پاکستان، فعال شدن گسل‌های قومیتی میان آنها می‌باشد؛ که می‌تواند منجر به نزاع قومیتی و نژادی و حتی جنگ داخلی در پاکستان گردد.

۲- توسعه ایدئولوژی اسلام‌گرایی در پاکستان

یکی از حیاتی‌ترین راهبردهای مبتنی بر فرصت و قوت برای جنبش اسلامی پاکستان راهبرد توسعه ایدئولوژی اسلام‌گرایی در پاکستان می‌باشد، چراکه جنبش اسلامی پاکستان برای رسیدن به هدف اصلی خود یعنی تشکیل حکومت اسلامی نیاز به توسعه ایدئولوژی اسلامی‌گرایی دارد، زیرا تا زمانی که دست‌کم بخش قابل توجهی از

مردم و نخبگان پاکستان تفکر اسلام‌گرایی را نپذیرند و خواهان اسلامی شدن حکومت و جامعه پاکستان نباشند جنبش اسلامی نمی‌تواند به هدف خود برسد.

بنابراین توسعه ایدئولوژی اسلامی یکی از راهبردهای لازم برای تحقق این هدف جنبش اسلامی پاکستان می‌باشد؛ در این راهبرد با استفاده از فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا در پاکستان و پررنگ بودن هویت اسلامی مردم پاکستان از فرصت به وجود آمده توسط انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی که باعث تقویت جریان اسلام‌گرایی در جهان اسلام شده است جهت توسعه ایدئولوژی اسلامی در پاکستان بهره گرفته می‌شود.

۳- ارائه راهبردهای قوت-تهدید (s-t) راهبردهای بازدارندگی یا تمرکز

این راهبردها در زمانی بکار می‌رود که سازمان در محیط داخلی خود دارای نقاط قوت می‌باشد اما در این محیط پیرامونی با تهدیدهایی جدی روبروست، و سعی می‌شود با کمک راهبردهای بازدارندگی یا تمرکز بوسیله استفاده از نقاط قوت درونی تهدیدهای پیش رو را برطرف کند، به همین دلیل در این بخش راهبردهایی ارائه می‌گردد تا به کمک نقاط قوت جنبش اسلامی پاکستان تهدیدات پیش روی این جنبش برطرف گردد.

نقاط قوت	تهدیدات پیش‌رو
۱- پررنگ بودن هویت اسلامی مردم پاکستان.	۱- تشدید فشار آمریکا به دولت پاکستان جهت ایجاد محدودیت برای جنبش اسلامی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر.
۲- قوی بودن ایدئولوژی اسلام‌گرایی.	۲- حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تکفیری.
۳- فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا.	۳- فعالیت طالبان در نزدیکی مرزهای پاکستان.

(s-t)	راهبردهای قوت-تهدید
T1-s3-s2-s1 T3-t3-s1-s2-s3	۱- اقدام برای کاهش روابط دولت پاکستان با آمریکا ۲- بازدارندگی از اشاعه گرایش‌های تکفیری در پاکستان.

۱- اقدام جهت کاهش رابطه دولت پاکستان با آمریکا

یکی از راهبردهای مبتنی بر قوت تهدید جلوگیری از وابستگی دولت پاکستان به آمریکا می‌باشد، همانطور که اشاره شد، یکی از تهدیدات پیش روی جنبش اسلامی پاکستان این است که دولت آمریکا پس از حادثه یازده سپتامبر، دولت پاکستان را برای مقابله با گروه‌های اسلام‌گرا تحت فشار قرار داده است. در پی وقوع حادثه تروریستی یازده سپتامبر، با معرفی شدن طالبان و القاعده بدون تشکیل کمیته حقیقت یاب مستقل به عنوان مسببان این حادثه و همچنین تشدید موج اسلام‌هراسی در غرب از آنجا که کشور پاکستان به عنوان خاستگاه طالبان و دولت این کشور بزرگترین حامی این گروه محسوب می‌شود پاکستان برای مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری به شدت تحت فشار قرار گرفت.

دولت پاکستان برای رها شدن از این فشارها اقدام به تعطیلی و ایجاد محدودیت برای گروه‌های اسلام‌گرا کرد اما این اقدام محدود به گروه‌های تکفیری تندرو محدود نشد و سایر گروه‌های اسلام‌گرا که با جریان‌ات تکفیری دارای مرزبندی و بعداً تضاد بودند با محدودیت‌های شدید مواجه شدند به طور مثال جریان تحریک جعفری که با گروه‌های تندرو مانند طالبان به شدت مخالف بود نیز به اتهام حمایت از تروریسم تعطیل شد.

یکی از مهمترین راهبردها جهت مقابله با این تهدید اقدام جهت کاهش رابطه دولت پاکستان و آمریکا می‌باشد. مهمترین علت اجابت خواسته آمریکا جهت ایجاد محدودیت

برای گروه‌های اسلام‌گرا توسط دولت پاکستان روابط گسترده با آمریکا می‌باشد، به طوری که دولت پاکستان در طول این سالها همواره به عنوان یکی هم پیمانان آمریکا شناخته محسوب می‌شود؛ جنبش اسلامی پاکستان با تأکید به نقاط قوت خود می‌تواند دولت پاکستان را جهت کاهش روابط با آمریکا تحت فشار قرار دهد، برای تحقق این راهبرد می‌توان از تأکید بر به خطر افتادن هویت اسلامی، عقاید مذهبی مردم پاکستان و استقلال کشور پاکستان، به علت هم پیمان بودن دولت پاکستان و آمریکا، استفاده کرد. رهبران جنبش اسلامی پاکستان باید با استفاده از فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا در سطح پاکستان، ارتباط خود با افشار مختلف مردم به ویژه قشر مذهبی را افزایش داده، و این واقعیت را خاطرنشان کنند که دولت آمریکا بنابر علل مختلف از جمله احساس خطر از تفکر اسلام‌گرایی، از میان برداشتن موانع تسلط بر خاورمیانه، شبه قاره هند و آسیای میانه، و... خواهان از بین رفتن تفکر اسلام‌گرایی در این مناطق به ویژه پاکستان می‌باشد، و در صورت موفقیت آمریکا در دستیابی به این اهداف هویت اسلامی و عقاید مذهبی مردم پاکستان با خطر نابودی مواجه خواهد شد، زیرا هویت اسلامی (چنانچه اشاره شد) ارتباط تنگاتنگی با ایدئولوژی اسلام‌گرایی دارد و در صورت به حاشیه رفتن اسلام‌گرایی با خطر نابودی مواجه خواهد شد، در صورت اجرای دقیق و مناسب این راهبرد، دولت پاکستان مجبور به کاهش روابط با آمریکا خواهد شد، و پس از محقق شدن راهبرد کاهش سطح روابط پاکستان با آمریکا، دیگر دولت ایالات متحده نمی‌تواند با فشار دولت پاکستان را مجبور به مقابله و ایجاد محدودیت برای گروه‌های اسلام‌گرا در آن کنند و یکی از مهمترین تهدیدات و موانع پیش روی جنبش اسلامی پاکستان به این طریق برطرف می‌شود.

۲- بازدارندگی از اشاعه گرایش‌های تکفیری در پاکستان

همانطور که اشاره شد دو مورد از مهمترین موانع و تهدیدات پیش روی جمهوری اسلامی پاکستان عبارتند از حمایت عربستان از گروه‌های تکفیری مانند سپاه صحابه

و فعالیت طالبان در مرز پاکستان منجر به تشکیل گروه طالبان پاکستانی در ایالات پشتون پاکستان و ترویج اندیشه‌های تکفیری در برخی گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان شده است؛ که یکی از مهمترین موانع جهت اتحاد بین گروه‌های مختلف جنبش اسلامی و حرکت در راستای تحقق هدف مشترک این جنبش می‌باشد، جنبش اسلامی پاکستان می‌تواند با اتخاذ راهبرد بازدارندگی از اجرای گرایش‌های تکفیری و با اتکا به برخی از نقاط قوت خود بزرگ بودن هویت اسلامی‌ای مردم این کشور و فعالیت گسترده گروه‌های اسلام‌گرا، این موانع را از میان بردارد.

بهترین شیوه جهت تحقق این استراتژی تاکید بر هویت اسلامی و فرا مذهبی مردم پاکستان می‌باشد، گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان مانند جماعت اسلامی و نهضت تحریک جعفری که مخالف اندیشه‌های تکفیری و تفرقه افکنانه هستند، باید با تاکید بر هویت اسلامی پاکستان، این واقعیت را به حامیان جنبش اسلامی بویژه بدنه اجتماعی گروه‌های اسلام‌گرای دارای گرایش تکفیری یاد آوری کنند که اصل تاسیس کشور پاکستان برای دفاع از تمامی مسلمانان شبه قاره هند در برابر هندوها بوده است، و دین اسلام عامل یگانگی مسلمانان شبه قاره هند بوده است و نقطه مقابل آنان نیز اکثریت غیر مسلمان شبه قاره بوده، و پیروی از دین اسلام (اعم از مذاهب و فرق مختلف) به عنوان عامل یگانگی مسلمانان شبه قاره با یکدیگر و غیریت سازی آنان با غیر مسلمانان، باعث شد اولین بار یک کشور تنها بر اساس دین مشترک تشکیل گردد، اما عربستان سعودی و گروه طالبان با ترویج اندیشه‌های تکفیری، که مبنای آن دشمنی با پیروان سایر فرقه‌های اسلامی بویژه شیعیان می‌باشد، اصل هویت اسلامی مردم پاکستان را به خطر می‌اندازند.

همانطور که گفته شد مبنای همگرایی مردم پاکستان پیروی از دین اسلام اعم از فرق و مذاهب مختلف می‌باشد، اما حمایت‌های خارجی از جریان تکفیری که سایر فرق اسلامی را دشمن خود می‌دانند، باعث از بین رفتن این هم‌گرایی در نهایت به خطر افتادن هویت اسلامی مردم پاکستان می‌شود، بنابراین رهبران گروه‌های اسلام‌گرای

پاکستان که با جریان‌های تکفیری و حمایت طرف‌های خارجی از این جریان‌ها مخالف هستند می‌توانند با گوشزدکردن این خطرات برای مردم پاکستان و تبیین اهمیت هویت اسلامی این مردم در حفظ اتحاد و یکپارچگی مردم و بقای کشور پاکستان همچنین حفظ اعتقادات اسلامی مردم این کشور، این تهدید را از پیشروی جنبش اسلامی پاکستان بردارند، بنابراین مشخص می‌شود بازدارندگی از شیوع گرایش‌های تکفیری، با اتکا هویت اسلامی مردم پاکستان راهبرد مناسبی جهت مقابله با تهدیدهایی است که در اثر حمایت عربستان از گروه‌های تکفیری و تقویت اندیشه تکفیری در پاکستان با فعالیت طالبان در مرزهای پاکستان ایجاد شده است.

۳- راهبردهای ضعف-فرصت (W-O) راهبردهای بازنگری یا تنوع

بر اساس ماتریس سوات زمانی که سازمان در محیط داخلی خود با نقاط ضعف عمده روبروست اما در محیط پیرامونی فرصت‌های مناسبی پیش روی خود دارد، بر اساس راهبردهای بازنگری می‌تواند با استفاده از فرصت‌های پیش رو نقاط ضعف خود را برطرف کند، لذا در این بخش راهبردهایی ارائه می‌گردد تا به جنبش اسلامی پاکستان کمک کند با استفاده از فرصت‌های پیش رو نقاط ضعف خود را برطرف نماید.

فرصت‌های پیش‌رو	نقاط ضعف داخلی
۱- پیروزی انقلاب اسلامی.	۱- تفرقه بین گروه‌های مختلف اسلام‌گرا.
۲- خیزش‌های مردمی در برخی کشورهای عربی در پی وقوع موج اخیر بیداری اسلامی..	۲- فقدان رهبری واحد و قدرتمند سیاسی.
۳- ایجاد شبکه‌های اجتماعی.	۳- انتخاب راهبردهای اشتباه.
(W-O)	راهبردهای ضعف - فرصت
O2-w1	۱- ایجاد ائتلاف در گروه‌های اسلام‌گرا بر اساس الگوی بیداری اسلامی.
O3w2	۲- پر کردن خلاء رهبری بوسیله شبکه‌های اجتماعی.

۱- ائتلاف گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان بر اساس الگوی بیداری اسلامی

یکی از نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان وجود تفرقه بین گروه‌های مختلف جنبش می‌باشد، متأسفانه اختلاف نظر بین برخی جریانات اسلام‌گرا در پاکستان تا حد خصومت و اقدامات تروریستی نیز پیش رفته است و همین اختلافات شدید باعث شده جنبش اسلامی پاکستان نتواند با استراتژی منسجم وارد فعالیتهای سیاسی و اجتماعی در این کشور شود، همچنین وجود تفرقه بین گروه‌های مختلف حاضر در جنبش اسلامی پاکستان سبب پخش شدن پایگاه اجتماعی جنبش بین گروه‌های مختلف، و از بین رفتن امکان استفاده مناسب از آن، همچنین مشغول شدن گروه‌های اسلام‌گرا به رقابت با یکدیگر شده است و موجب تضعیف جریان اسلام‌گرایی در اثر این رقابت داخلی شده، که باعث تسهیل تسلط احزاب سکولار بر پاکستان و به حاشیه رفتن جنبش اسلامی می‌باشد.

و از آن جا که در راهبردهای بازنگری (ضعف - فرصت) با استفاده از فرصت‌های محیط پیرامون نقاط ضعف داخلی برطرف می‌گردد، در اینجا سعی می‌گردد با استفاده از الگوی گروه‌های اسلامی در زمان موج جدید بیداری اسلامی در برخی کشورهای عربی، که یکی از فرصت‌های پیش روی جنبش اسلامی پاکستان محسوب می‌شود، نقطه ضعف وجود تفرقه در گروه‌های مختلف جنبش اسلامی پاکستان را برطرف کرد. همانطور که در توضیح راهبرد قبل گفته شد، یکی از راهها برای از بین بردن نقاط ضعف جنبش - های اجتماعی وجود الگوهای مناسب موفق در کشورهای دیگر به ویژه همسایه می‌باشد، اگر دو کشور از لحاظ مختلف دارای تناسب باشند، وجود چنین الگوی موفق برای هر جنبش اجتماعی فرصتی مهم محسوب می‌شود، بنابراین، جنبش اسلامی پاکستان می‌تواند با بهره‌گیری از الگوی موفق جنبش اسلامی در جریان وقوع امواج اخیر بیداری اسلامی، برخی از نقاط ضعف خود را برطرف کند.

یکی از ویژگی‌های مثبت جنبش‌های اسلامی در جریان خیزش‌های مردمی در برخی کشورهای عربی، اتحاد بین گروه‌های اسلامی برای رسیدن به هدف مشترک و مقابله با

دولت‌های وابسته به غرب بوده است، به طور مثال در مصر تمامی گروه‌های اسلامگ را اعم از اخوان المسلمین، حزب سلفی النور، جماعت اسلامی و جریان الوسط علی رغم داشتن اختلافات بسیار، بر سر خواسته تغییر و مخالفت با حکومت مبارک به اتحاد رسیدند؛ گروه‌های اسلام‌گرای پاکستانی می‌توانند با الگو گرفتن از این تجربه موفق جهت تغییر در وضعیت موجود و مخالفت با حاکمیت احزاب و قدرت مسلط اقدام نمایند.

۲- جبران خلاء رهبری با استفاده از شبکه‌های اجتماعی

یکی دیگر از راهبردهای تنوع برای جنبش اسلامی پاکستان جبران خلاء رهبری با استفاده از فرصت شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. یکی از مهمترین نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان نبود خلاء رهبری واحد و قدرتمند می‌باشد از آنجا که یکی از مهمترین شرایط موفقیت هر حزب سازمان و جنبش داشتن رهبری قوی می‌باشد این خلاء یکی از مهمترین عواملی است که باعث شده جنبش اسلامی پاکستان نتواند به نتیجه مطلوب برسد. از آنجا که ایجاد تغییرات اساسی در گروه‌های اسلام‌گرا و مدارس دینی پاکستان که بتوانند رهبری قدرتمند و شایسته، برای جنبش اسلامی پاکستان تربیت کنند نیاز به یک فرآیند بلند مدت دارد که ممکن است تا چند نسل طولانی شود، برای کاهش عوارض فقدان رهبری به راهبردی نیاز است که بتواند در کوتاه مدت مشکلات ناشی از نداشتن رهبری واحد و قدرتمند را برای جنبش اسلامی پاکستان کاهش دهد یکی از مناسب‌ترین راهبرد جهت تحقق این هدف، جبران خلاء رهبری به وسیله استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌باشد، زیرا شبکه‌های اجتماعی دارای دو ویژگی مهم هستند که می‌توانند خبر نبود رهبر را برای جنبش اسلامی پاکستان کاهش دهند.

یکی از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی امکان بسیج سریع نیروها توسط این شبکه‌ها می‌باشد به طور مثال در انقلاب مصر اولین هماهنگی‌ها در شبکه اجتماعی فیس‌بوک انجام شد در این شبکه‌ها به علت قابلیت انتقال سریع اطلاعات امکان بسیج

سریع نیروها فراهم می‌باشد، و یکی از مهمترین ویژگی‌های رهبری سیاسی توانایی لازم جهت بسیج نیروها می‌باشد، بنابراین جنبش اسلامی پاکستان، می‌تواند با بسیج نیروها به وسیله شبکه‌های اجتماعی، یکی از مهمترین مشکلات ناشی از نقطه ضعف فقدان رهبری را جبران کند.

۳- راهبردهای ضعف-تهدید (t-w) راهبردهای بقاء

زمانی که سازمان در محیط داخلی خود دچار نقاط ضعف متعدد بوده و در محیط پیرامونی نیز با تهدیدات مهمی روبروست، با ارائه راهبردهای بقاء تلاش می‌شود ضمن برطرف کردن نقاط ضعف داخلی و تهدیدات بیرونی بقای سازمان را تضمین کرد. در این بخش بر اساس نقاط ضعف و تهدیدات پیش روی جنبش اسلامی پاکستان راهبردهایی ارائه می‌شود که بوسیله برطرف کردن نقاط ضعف جنبش اسلامی پاکستان تهدیدات پیش روی آن را برطرف کرد

نقاط ضعف	تهدیدات پیش‌رو
۱- تفرقه بین گروه‌های اسلام‌گرا.	۱- تشدید فشار آمریکا به دولت پاکستان
۲- فقدان رهبری واحد و قدرتمند سیاسی.	برای مقابله با جنبش اسلامی پس حادثه ۱۱ ستامبر.
۳- انتخاب راهبردهای ناکارآمد.	۲- حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تکفیری.
	۳- فعالیت طالبان در نزدیکی مرزهای پاکستان.
راهبردهای ضعف_تهدید	(t-w)
۱- وحدت گروه‌های اسلام‌گرای غیر تکفیری	W1-t3-t3
حول محور نفی جریان تکفیر. ۲- تشکیل ائتلاف فراگیر برای حفظ استقلال سیاسی پاکستان	T1-t2-w1-

۱- اتحاد حول محور نفی تکفیر

یکی از راهبردهای بقا برای جنبش اسلامی پاکستان اتحاد حول محور نفی تکفیر است، با توجه به اینکه تهدید حمایت عربستان سعودی از جریان‌های تکفیری و همچنین فعالیت طالبان در نزدیکی مرزهای پاکستان (که منجر به تشکیل شعبه‌ی از این گروه در خاک پاکستان شده است) گسترش جریان تکفیری در پاکستان شده است، و گسترش فعالیت جریان‌های تکفیری سبب تشدید تفرقه بین گروه‌های اسلام‌گرای پاکستان و بدنه اجتماعی جنبش اسلامی در این کشور شده است؛ و از طرفی اصل وجود تفرقه در داخل جنبش اسلامی پاکستان ابتداً زمینه را برای فعالیت گروه‌های تکفیری برگزار می‌آورد. این تهدیدات فراهم کرده بود، مشخص می‌گردد نقطه ضعف تفرقه و این تهدید دارای اثر گذاری متقابل بوده و با تقویت یکدیگر مانع مهمی پیش روی جنبش اسلامی پاکستان ایجاد کرده اند. بنابراین لازم است جنبش اسلامی پاکستان استفاده از راهبردی بر اساس شرایط مذکور را در دستور کار خود قرار داده، تا بتواند برای حفظ و بقاء جنبش نقطه ضعف تفرقه و این تهدید را برطرف کند.

راهبرد اتحاد حول محور تکفیر می‌تواند بهترین استراتژی برای رسیدن به هدف فوق باشد. زیرا در این راهبرد همزمان به رفع ضعف تفرقه و تهدید حمایت عربستان از جریان‌های تکفیری و فعالیت طالبان (که منجر به رشد جریان تکفیر شده است) مورد توجه قرار می‌گیرد، و همچنین مرزبندی با جریان تکفیری معیار مناسبی برای ایجاد وحدت بین گروه‌های اسلام‌گرای غیر تکفیری می‌باشد. تمامی احزاب و جریانات داخل جنبش اسلامی که با جریان تکفیری و اقدامات خشونت بار آن مخالفت دارند، جبهه متحدی را حول محور مخالفت با جریان تکفیری تشکیل می‌دهند که مهمترین برنامه‌های این که عبارتند از:

الف) هماهنگی برای فعالیت سیاسی گروه‌های مختلف اسلام‌گر و اتخاذ تصمیمات یکسان.

ب) جلوگیری از ایجاد تنش بین بدنه اجتماعی جنبش اسلامی و هواداران گروه‌های مختلف اسلام‌گرا.

ج) ایجاد ساز و کار مناسب برای رسیدن به اتحاد بلندمدت.

د) نقشه همه جانبه جریان تکفیری و مخالفت با حمایت‌های خارجی از این جریان.

ه) تشکیل اتاق فکر مشترک برنامه ریزی برای جذب هواداران گروه‌های تکفیری.

تشکیل این جبهه فراگیر و به کارگیری این برنامه‌ها باعث می‌گردد تا راهبرد اتحاد حول محور نفی تکفیر محقق شده و جنبش اسلامی پاکستان بتواند با برطرف کردن ضعف تفرقه و تهدید مذکور بقای خود را در شرایط بحرانی تضمین کند.

۲- تشکیل ائتلاف فراگیر جهت حفظ استقلال سیاسی پاکستان

یکی از مسائلی که سبب ایجاد تهدید برای جنبش اسلامی پاکستان شده، این است که آمریکا و کشورهای غربی همواره با جنبش‌های اسلامی و تفکر اسلام‌گرایی به مقابله پرداخته‌اند؛ که این مساله تهدیدی جدی برای تمامی جنبش‌های اسلامی به شمار می‌رود. جنبش اسلامی پاکستان نیز نه تنها از این اصل مستثنا نیست بلکه به دلیل موقعیت استراتژیک پاکستان از لحاظ سیاسی و امنیتی و همین‌طور نقش ویژه پاکستان در جریان اسلام‌گرایی، کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا بطور ویژه با تفکر اسلام‌گرایی در پاکستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر مقابله کرده‌اند؛ و از آنجا که این مسئله از دو بعد مقابله تئوریک و عملی غرب با جریان اسلام‌گرایی و فشار آمریکا به دولت پاکستان جهت ایجاد محدودیت برای گروه‌های اسلام‌گرا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، شده است، از طرفی وجود تفرقه در جنبش اسلامی پاکستان، باعث شده است توان تئوریک و عملی جنبش اسلامی پاکستان برای مقابله با این دو تهدید کاهش یابد. و از آنجا که متحد کردن تمامی احزاب اسلام‌گرا ممکن است نیاز به پروسه‌ای طولانی داشته باشد، تشکیل یک ائتلاف سیاسی امکان‌پذیرتر و آسان‌تر است به‌ویژه اینکه گروه‌های اسلام‌گرا

سابقه تشکیل ائتلاف سیاسی به نام مجلس متحده امل را دارند، با توجه به اینکه مخالفت با تسلط آمریکا به پاکستان نقطه مشترک تمامی گروه‌های اسلام‌گرای این کشور حتی گروه‌های دارای گرایش سلفی مانند العلمای اسلام پاکستان می‌باشد، این گروه‌ها می‌توانند با محوریت مخالفت با تعرض آمریکا به تمامیت ارضی پاکستان (همچون حمله هواپیماهای بدون سرنشین کشور به برخی ایالات پاکستان) دست به تشکیل ائتلاف سیاسی، جهت حفظ استقلال سیاسی پاکستان در برابر دخالت‌های آمریکا بزنند.

نتیجه گیری

با توجه به شرایط جنبش اسلامی پاکستان در محیط داخلی دارای نقاط قوت و ضعف متعدد می‌باشد، و همچنین بررسی محیط پیرامونی این جنبش که با توجه به شرایط عصر بیداری اسلامی، فرصت‌ها و تهدیداتی پیش روی این جنبش قرار گرفته است؛ نتیجه می‌گیریم که با استفاده از روش سوات می‌توان چهار دسته راهبرد را برای جنبش اسلامی پاکستان ارائه کرد:

۱- راهبردهای توسعه (قوت-فرصت) که در آن سعی می‌شود، با استفاده از نقاط قوت درونی جنبش اسلامی پاکستان زمینه مناسب برای استفاده از فرصت‌های پیرامونی فراهم گردد، مهمترین راهبرد توسعه، توسعه ایدئولوژی اسلام گرایی در پاکستان می‌باشد، در این راهبرد با استفاده از پرننگ بودن هویت اسلامی مردم پاکستان، قوی بودن ایدئولوژی اسلام گرایی در این کشور، فعالیت گسترده گروه‌های اسلام گرا (که از نقاط قوت این جنبش محسوب می‌گردند) از فرصت‌های پیش آمده توسط انقلاب اسلامی و همچنین از شبکه‌های اجتماعی برای توسعه ایدئولوژی اسلام گرایی و پذیرش آن توسط اقشار مختلف جامعه پاکستان و تحصیل کرده استفاده شود.

۲- راهبردهای بازدارندگی (قوت - تهدید) که بر اساس آن تلاش می‌شود تا راهبردهایی به جنبش اسلامی پاکستان ارائه گردد که به کمک نقاط قوت داخلی با تهدیدات محیط پیرامون مقابله کند. مهمترین راهبرد بازدارندگی برای جنبش اسلامی پاکستان بازدارندگی از اشاعه گرایش‌های تکفیری در این کشور می‌باشد که بر اساس آن تلاش می‌گردد با استفاده از نقاط قوتی همچون، پرننگ بودن هویت اسلامی (فراتر از مذاهب و فرق) مردم پاکستان و فعالیت گسترده گروه‌های اسلام گرای پاکستان، تهدید

حمایت عربستان از جریان‌های تکفیری و فعالیت طالبان در نزدیکی مرزهای پاکستان کم اثر گردد.

۳- راهبردهای بازنگری (ضعف - فرصت) در این دسته از راهبردها تلاش می‌شود با استفاده از فرصت‌های پیرامون جنبش اسلامی پاکستان، نقاط ضعف داخلی آن برطرف گردد، مهمترین راهبرد بازنگری برای جنبش اسلامی پاکستان پر کردن خلا رهبری به وسیله شبکه‌های اجتماعی می‌باشد که بر اساس آن سعی می‌گردد با استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی خلا رهبری واحد را جبران کرد.

۴- راهبردهای بقاء (ضعف - تهدید) براساس این راهبردها جنبش اسلامی پاکستان، سعی می‌کنند با برطرف کردن نقاط ضعف داخلی و تهدیدات خارجی از بحران عبور کرده و بقاء خود را تضمین کند؛ مهمترین راهبرد بقاء برای جنبش اسلامی پاکستان، ایجاد وحدت بین گروه‌های اسلام‌گرای غیر تکفیری می‌باشد، که براساس آن تلاش می‌شود با ایجاد وحدت گروه‌های اسلام‌گرای غیر تکفیری از یک سو ضعف تفرقه جنبش اسلامی پاکستان بر طرف شده و از طرف دیگر حمایت عربستان از جریان‌های تکفیری و فعالیت طالبان در نزدیکی مرزهای پاکستان کم اثر گردد.

فهرست منابع

۱. امام خمینی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۱۰.
۲. امرایی، حمزه، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های معاصر اسلامی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۳. بهروزلک، غلامرضا، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۴. جرجیس، فوازای، آمریکا و اسلام سیاسی، مترجم سید محمد کمال سروریان، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
۵. جعفر پور، محمد، مفهوم شناسی بررسی متغیرهای موثر بر پذیرش شبکه‌های اجتماعی مجازی، نقش سازمان‌های مردم نهاد در آن‌ها، فصلنامه مطالعات بسیج، ۱۳۹۰، شماره ۵۲.
۶. حشمت زاده، محمد باقر، تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۷. سعید، بابی اس، هراس بنیادین، مترجم غلامرضا جمشیدی‌ها، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۸. صافی گلپایگانی، قاسم، سفرنامه پاکستان «نگرشی به تاریخ و فرهنگ»، ۱۳۶۶، بی جا.
۹. عارفی، محمد اکرم، پاکستان و بنیاد گرایی اسلامی، علوم سیاسی باقرالعلوم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۴۸۰.
۱۰. _____، جنبش اسلامی پاکستان، بررسی علل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی، محمد اسماعیل نباتیان، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۱۱. _____، شیعیان پاکستان، چاپ اول، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۵.
۱۲. عراقچی، سید عباس، اندیشه‌های سیاسی ابوالاعلی مودودی و جنبش احیا طلبی اسلامی، مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۷.
۱۳. عصمت الهی، محمدهاشم، جریان پرشتاب طالبان؛ چاپ اول؛ تهران؛ مرکز مطالعات فرهنگی_بین المللی انتشارات بین المللی الهدی؛ ۱۳۸۷.
۱۴. علیزاده موسوی، سید مهدی، روابط اهل سنت شبه قاره با شیعه در حوزه سیاست و اندیشه، فصلنامه امامت پژوهی، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰.
۱۵. غزاله، نظیف کار، برآورد استراتژیک پاکستان، تهران، موسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، جلد اول، ۱۳۸۲.
۱۶. فراتی، عبدالوهاب، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، چاپ اول؛ قم؛ زلال موثر؛ ۱۳۸۱.
۱۷. کمالی، حمیدرضا، خاورمیانه ۹ (ویژه مسائل داخلی عربستان) چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۱.
۱۸. لاهوری اقبال، و سروش، احمد، کلیات اشعار اقبال لاهوری، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۸۱.
۱۹. موتقی، سید احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.

۲۰. نش، کیت، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر. جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، یراستار عبدالرحیم مرودشتی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۳.
۲۱. هادی نجف آبادی، محمد علی، پاکستان در جستجوی هویت مفقود، چاپ دوم، قم، موسسه تحقیقاتی - انتشاراتی نور، ۱۳۶۳.
۲۲. هرسیج حسین، و توسیرکانی، مجتبی، چالش‌های وهابیت ایران و جهان اسلام، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق و پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۹۲.

